

دختران جوان و اضطر ایجابی ازدواج

عزیزالله تاجیک اسماعیلی

مقدمه

- دوم، مسؤولیتهای مشترک و مکمل درباره فرزندان به عنوان اعضای جدید خانواده که تقریباً سرتاسر دوران میانسالی پدر و مادر را در برمیگیرد و حتی پس از استقلال فرزندان از خانواده و تشکیل خانوادههای جدید، در روابط روانی و عاطفی با والدین ایفای نقش می‌کند.

از دیدگاه اجتماعی و فرهنگی نیز مسأله ازدواج از جمله چندین موضوع اساسی و مهم در تحول و تغییر روابط و ساختار اجتماعی است. ازدواج یک نهاد اجتماعی است، به این معنی که شیوه تجویز شده برای ارضای نیازهای جنسی و عاطفی (و حتی اجتماعی) برای اعضای یک جامعه و فرهنگ است. ازدواجها در نظامهای فرهنگی ساده و ابتدایی به گونه‌ای است که از نظر ضوابط، مقررات و سنتهای مربوط، با نوع آن در جوامع پیچیده و صنعتی تفاوت دارد. مثلاً در نظامهای ابتدایی، قواعد ناظر بر ازدواج، فرد و طبقه‌ای را که برای ازدواج مناسب

در زندگی امروز وقتی صحبت از مسائل و مشکلات جوانان می‌شود، ازدواج در رأس این مسائل قرار می‌گیرد. در زندگی دوران بزرگسالی نیز مسائل ناشی از ازدواج و خانواده نقش محوری در جهت‌گیری‌ها، تصمیمات و رفتارهای هر زن و مرد دارد. زن و شوهر در ابتدای دوران جوانی و میانسالی از دو جنبه تحت تأثیر عوامل روانی و اجتماعی ناشی از "خانواده" هستند:

- نخست ارتباط با همسر به عنوان شریک جنسی، عاطفی و روانی زندگی که بهره‌مندی‌ها و در عین حال محدودیتهایی را برای هریک به وجود می‌آورد.

عنوان ارضای نیازها و تمایلات طرفین دارد.

و دوم اینکه تغییرات نظام اجتماعی و ارزشهای مؤثر بر ازدواج از طریق همین زن و مرد جوان بایستی در فضا و روابط حاکم بر خانواده تجلی کند و در صورتی که یک نظام اجتماعی نتواند ارزشها و معیارها را به نحو شایسته و مناسب به اعضای جوان منتقل کند (و یا آموزش دهد)، می‌توانیم انتظار افزایش بحرانهای مربوط به خانواده و ازدواج را داشته باشیم.

زندگی خانوادگی براساس ایفای نقش‌هایی است که زن و شوهر بایستی آموخته باشند و آن را بخوبی ایفا کنند. در بررسی تاریخی مسأله خانواده، خصوصیات این نقش‌ها، چگونگی انجام آن و موفقیت در انجام نقش‌های مناسب، از مواردی است که بایستی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.^۲ مثلاً در جوامع سنتی، نقش اقتصادی شوهر پررنگ‌تر و قوی‌تر از زن است و زن بیشتر در چهارچوب محیط خانواده مسؤولیت دارد، در حالی که به موازات پیچیدگی نظام اجتماعی، حضور اجتماعی زن و مشارکت او در اقتصاد خانواده و جامعه بر روابط بین زن و شوهر تأثیر می‌گذارد. آمیختگی این تأثیرات با نیازهای روانی و عاطفی زوجها به نوعی جدید از روابط خانوادگی منجر می‌شود که بر استحکام خانواده و میزان احساس ارضای روانی هر یک مؤثر است.

آمادگی پسران و دختران جوان برای ازدواج

پسر و دختر برای ازدواج باید از ویژگی‌هایی بهره‌مند باشند. این ویژگی‌ها عمدتاً عبارتند از:

- ۱ - آمادگی جسمانی
 - ۲ - داشتن ویژگی‌های شخصیتی لازم برای ایفای نقش‌های همسری
 - ۳ - کسب آگاهی‌ها و اطلاعات ضروری درباره زندگی پس از ازدواج (خانواده)
- اگر درباره وجود یا عدم بعضی از ویژگی‌های مذکور در اکثر پسران و دختران در آستانه ازدواج

است تعیین می‌کند و وصلت‌های مجاز و یا غیرمجاز بیشتر بر اساس سنت‌ها و قواعد اجتماعی و قبیله‌ای تنظیم می‌شود، در حالی که نظامهای اجتماعی پیچیده‌تر مثل جوامع صنعتی امروز بیشتر قواعد سلبی و نفی‌کننده ازدواج با اشخاص خاص را معین می‌کنند و نقش کمتری در تعیین افراد و قشرهای طرف ازدواج فرد به صورت الزام و اجبار دارند.^۱

ابعاد فردی و اجتماعی "بحران" در ازدواج

شک نیست که در هر نظام اجتماعی، افراد در طی روند اجتماعی شدن، تکوین خصوصیات شخصیتی و سازگاری اجتماعی تا حد قابل توجهی چهارچوبهای تعیین‌کننده و تجویزکننده برای ازدواج را می‌پذیرند و براساس آن عمل می‌کنند. لیکن بحرانهای مربوط به ازدواج و خانواده هیچ‌گاه در جوامع از بین نرفته، بخصوص با پیچیده شدن شکل زندگی، روندی فزاینده دارد.

امروزه تنش‌های موجود در روابط اعضای خانواده قبل از هرچیز در تصمیم به طلاق و جدایی زوجین قابل مشاهده است و در مواردی هم که نظام ارزشی و سنت‌ها یا مقررات و قوانین مربوط موانعی را بر سر راه طلاق و جدایی زوج‌ها قرار می‌دهند، تنش‌ها و بحرانهای روانی - عاطفی به درون این واحد اجتماعی منتقل می‌شود که پیامدهایی همچون مشکلات روحی برای والدین یا فرزندان، شکل‌گیری خصوصیات نابهنجار روانی و شخصیتی و حتی جرائم و جنایات اجتماعی برای فرد و جامعه به همراه دارد.

در بین عوامل به وجود آورنده این وضعیت، توجه به دو نکته حائز اهمیت است: یکی اینکه صرف نظر از قواعد و مقررات اجتماعی، ازدواج یک فرایند روانی یا روان‌شناختی است که از نیازها و تصمیمات یک فرد (پسر یا دختر جوان) آغاز شده، به یک پیوند و رابطه متقابل (در قالب زوجیت) می‌انجامد و قبل از هر چیز کارکردی به

ازدواج، شخصیت و اخلاق سالم و متعادل پسران و دختران جوان یک عامل تضمین‌کننده نسبتاً قوی محسوب می‌شود، لیکن زندگی خانوادگی و ارتباط گسترده و پیچیده آن با جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی، مثل روابط خویشاوندی، آداب و رسوم اجتماعی، تحولات سریع اجتماعی بویژه در جوامع امروزی، عناصر ارزشی و فرهنگی اثر گذار بر واحد کوچک خانواده مثل برنامه‌های رسانه‌های جمعی، ازدواج و تشکیل خانواده را در جوامع امروزی به صورت امری درآورده که مستلزم کسب آمادگی‌های شناختی نیز هست.

از چند دهه قبل در نظام‌های درسی مدارس، بویژه در دوره دبیرستان، مطالبی در زمینه تربیت جنسی و آمادگی برای ازدواج و تشکیل خانواده گنجانده شده^۳ و اخیراً در کتابهای درسی دوره دبیرستان کشور ما نیز شاهد مطالبی در این باره هستیم. با این همه یک ساختار آموزشی مدون برای ارائه آگاهیهای لازم برای ازدواج و زندگی خانوادگی وجود ندارد.^۴ پسران و دختران جوان اطلاعات لازم درباره ازدواج را به شکل غیرمدون و از طریق منابعی به دست می‌آورند که بیشتر جنبه اتفاقی دارد. در مطالعه‌ای بر روی عده‌ای از دختران سال آخر دبیرستان و دانشجویان مراکز تربیت معلم، در جواب این سؤال که اطلاعات مورد نیاز خود در زمینه ازدواج را بیشتر از چه منابعی به دست می‌آورید، عوامل ذیل را به عنوان منابع کسب آگاهی ذکر کردند.^۵

جست و جو کنیم، شاید با اطمینان خاطر و البته مزاح گونه بتوانیم بگوییم آمادگی‌های جسمانی تنها ویژگی است که کلیه افرادی که آماده ازدواج هستند، آن را دارا می‌باشند. لیکن ازدواج موفق مستلزم وجود شرایطی در زن و شوهر است که خصوصیات روانی و شخصیتی و آگاهیهای لازم در زمینه مسؤولیتها و نقش‌های ازدواج، اساس آن هستند.

خصوصیات شخصیتی، ویژگیهای عاطفی، اجتماعی و اخلاقی افراد است که در روند تربیت و تکوین شخصیت از دوران کودکی بتدریج در فرد شکل می‌گیرد. لذا پسر و دختری که در دوران جوانی مهیای ازدواج می‌شوند، دارای خصوصیات شخصیتی خاصی هستند که ره‌آورد زندگی خانوادگی، تحصیلی و اجتماعی آنان از ابتدای تولد است. وجود صفات نابهنجار شخصیتی در فرد هرچند می‌تواند نشانه‌ای از عدم موفقیت در زندگی زناشویی باشد، لیکن به سادگی قابل تغییر نیست و لذا باید در مورد روشهای رفتاری و تربیتی خانواده‌ها از بدو ورود فرزندان برنامه‌ریزی‌های لازم صورت گیرد. ویژگی‌های عاطفی مانند توانایی کنترل عواطف خویش، درک احساسات دیگران، برخورداری از احساسات مثبت و سیال، بعضی از ویژگیهایی هستند که هر پسر و دختر جوان باید به نسبتی از آنها برخوردار باشند تا در آغاز و ادامه زندگی با شریک و همسر خود آن را زمینه و پشتوانه تبادل عواطف مورد نیاز برای قوام و استحکام خانواده قرار دهند.

خصوصیات اجتماعی از قبیل درک معیارها و قواعد زندگی جمعی، تشخیص روابط اجتماعی مناسب و نامناسب، برخورداری از احساس‌های ضروری برای زندگی مشترک چون حس تعاون، همدردی، مسؤولیت‌پذیری و ... نیز هرچند ممکن است از خلال آموزشهای رسمی در مدارس یا دیگر آموزش‌های اجتماعی به افراد آموخته شود، لیکن باید جزو ساختار شخصیت فرد درآید تا بتواند در زندگی زناشویی منشأ اثر باشد. شک نیست که در موفقیت و کامیابی پس از

۴۸ (درصد)	پدر و مادر و اعضای خانواده
۱۱/۳	دوستان
۶	وسایل ارتباط جمعی (رادیو و تلویزیون)
۶	مربیان و دبیران
۲۶/۶	کتابها و مجلات
۲	سایر منابع
	جمع

روحی برای زن و شوهر سوق پیدا کند. شکل‌گیری ازدواج براساس معیارهای عقلی و اجتماعی صحیح، تناسب روحیات زن و شوهر و بهره‌مندی هریک از آنها از خصوصیات روانی و رفتاری سازنده در زندگی زناشویی، شرط لازم برای این سیر سازگاری است.

دوم اینکه زن و مرد از وضعیت جدید خود درکی درست و برداشتی واقع‌بینانه داشته باشند. در مقایسه اضطرابهای جوانان درباره ازدواج، قبل از شروع زندگی زناشویی و چند سال پس از زندگی مشترک، بعضاً ملاحظه می‌شود عواملی که می‌توانند باعث نگرانی و تشویش خاطر شوند متفاوت هستند. این تفاوت‌ها تا حدودی ناشی از آن است که وزن و اهمیت عوامل مختلف به عنوان عوامل مؤثر یا نگران‌کننده درباره زناشویی و تشکیل خانواده با توجه به اینکه آنان اقدام به ازدواج کرده باشند یا خیر، تغییر می‌کند. این تغییر بیشتر ذهنی است تا واقعی، چون زندگی خانوادگی خواه ناخواه در تحول خود با واقعیات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خاصی روبرو می‌شود که چندان تابع محض رویه زن و شوهر نیست، لیکن اگر هریک از آنان شناختی درست از دورنمای وضعیت خود و زندگی تازه داشته باشند بدون شک سازگاری و موفقیت بیشتری در این راه به دست خواهند آورد.

صرف نظر از این مسائل نکته‌ای که هدف اصلی این مقاله است و توجه به آن نیز حائز اهمیت می‌باشد، تفاوت در نوع و میزان اضطرابهای احتمالی ناشی از ازدواج برای پسران و دختران است. آگاهی از این موارد می‌تواند برای خانواده‌ها، اولیای آموزشی و تربیتی مدارس متوسطه و نهادهای دست‌اندرکار مسائل خانواده و ازدواج کمک مهمی به برنامه‌ریزی و اتخاذ تدابیر مناسب برای آموزش و آماده‌سازی جوانان در ازدواج و تشکیل خانواده باشد. در این میان وضعیت دختران از دو جهت حائز اهمیت بیشتر است.

اول به دلیل نقش محوری آنان در حفظ و



آزمودنی‌های این تحقیق بیش از هرچیز آموزش در زمینه روابط انسانی و اجتماعی و نحوه سازگاری اجتماعی مطلوب را به عنوان مهم‌ترین نیاز آموزشی ذکر کرده و در عین حال مواردی از قبیل آموزش در زمینه هدفهای ازدواج، نحوه انتخاب همسر، تربیت فرزند، شناخت بدنی و آموزش مسائل جنسی ازدواج را نیز جزو موارد ضروری بر شمرده‌اند. نگاهی اجمالی به مطالعات و تحقیقات دیگر در زمینه نیازهای پسران و دختران جوان، بدون شک موارد بسیاری را به عنوان آگاهیهای لازم و مورد نیاز آنان برای ورود به زندگی زناشویی و خانوادگی روشن خواهد کرد.

اضطرابهای ازدواج در نظر دختران

ازدواج برای زن و مرد جوان پدیده‌ای مهم و در عین حال یک عامل فشار روانی است. فشارهای روانی ناشی از ازدواج، به مانند هر حادثه مهم زندگی، نیازمند طی یک دوره سازگاری است؛ لیکن گذشت زمان به‌خودی خود نقش بسیاری در کاهش این فشارها نخواهد داشت، مگر اینکه شرایطی تحقق پذیرد:

نخست اینکه روند ازدواج به سوی سازگاری

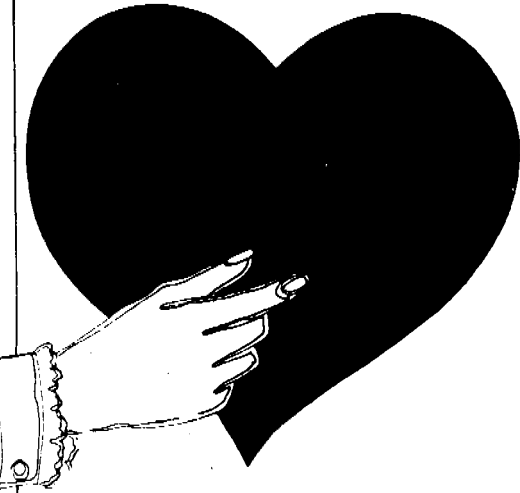
هدایت فضای عاطفی و روانی خانواده به عنوان همسر و مادری که در مقایسه با نقش شوهر (پدر) بیشتر و مهم تر است و دوم به دلیل وجود فشار بیشتر ناشی از مسائل مربوط به ازدواج و خانواده بر دختر، حالت پذیرندگی و انفعال بیشتر او در تصمیم گیری برای ازدواج و تخریب روحی بیشتر در صورت بروز هرگونه اختلال و تلاشی در زندگی خانوادگی، جدایی های احتمالی، طلاق و موارد مشابه.

لذا آگاهی از نگرشهای دختران نسبت به ازدواج، نگرانی های آنها در زمینه مسائل مربوط به ازدواج و بخصوص شناخت تأثیرات احتمالی این نگرانی ها بر میزان تمایل و گرایش آنان به سوی ازدواج و یا سازگاری یا ناسازگاری در زندگی زناشویی، بعضی از مسائل ضروری در شناخت عوامل قوام بخش یا آسیب زای خانواده است.

به طوری که ذکر شد ازدواج پدیده ای است که بخودی خود توأم با فشار روحی و روانی است و چه بسا در شرایط معمولی و متعارف نیز تعادل روحی پسر یا دختر جوان را موقتاً مختل کند، لیکن در کنار این نگرانی کلی باید از عوامل دیگری نام ببریم که بخصوص برای دختران در ردیف عوامل اولیه موارد نگرانی و اضطراب می باشند^۷. بعضی از اصلی ترین این عوامل عبارتند از:

۱- نگرانی از عدم تفاهم با همسر: زندگی خانوادگی مستلزم سازگاری عاطفی اعضای آن است. این سازگاری با همدلی و تفاهم زن و شوهر جوان شروع می شود و پس از ورود فرزندان و رشد روانی و شخصیتی آنها، به عنوان فضایی مناسب برای رشد و بالندگی آنان خواهد بود. در صورتی که زن و شوهر نتوانند در بین خود تفاهم اخلاقی و روحی به وجود آورند، شکاف در روابط خانوادگی و حتی جدایی و طلاق چندان دور از انتظار نیست. نگرانی بیشتر دختران در این مورد هم به این خاطر است که بعد از ازدواج بیشتر از آنان توقع سازش، تحمل و پذیرش این تفاهم می رود تا شوهر.

۲- عدم صداقت شوهر: یک عامل نگران کننده دیگر برای دختران جوان این است که شوهر آینده آنها در زندگی خانوادگی صداقت لازم را نداشته باشد. مفهوم صداقت در زندگی خانوادگی حاوی ابعاد و جنبه های مختلفی است که از روابط جنسی و زناشویی تا مسائل شغلی، روابط اجتماعی و نگرش ها و باورهای فکری همسر را شامل می شود. در پویایی و تکامل ازدواج اتحاد و تقید روحی زن و مرد یک عامل اساسی است. زن و شوهر به همان نسبت که از روابط زناشویی ارضای جنسی، روانی و عاطفی به دست می آورند، در چهارچوب این ارتباط متقابل دو طرفه مقید هم می شوند. لذا در اغلب موارد شاهد آن هستیم که زن و شوهرهای جوان پس از مدتی که از ازدواجشان گذشت، تمایل به آن دارند که بخشی از زندگی خود را بیرون از روابط با همسر، برای خود و بر طبق برنامه های خود اداره کنند. مثلاً مرد می خواهد اوقاتی را با دوستان (قدیم یا جدید) بگذراند، یا زن میل به هم نشینی با بعضی بستگان و فامیل یا اعضای خانواده دارد و یا ... در چنین مواردی بعضاً شاهد یک تنش ملایم یا شدید و یا بازشدن باب مذاکرات و چالش های لفظی بین همسران هستیم. گاهی به واسطه زمینه های مساعدی چون خصوصیات شخصیتی



آنان درباره ازدواج بی توجه و بی تفاوت باشند آنها کمتر قادر به اعمال نظر و ایده خود هستند و باید تابع و مطیع باشند.

۴ - عدم اطمینان به حرفهای قبل از ازدواج :

یک نگرانی دختران در حال حاضر این است که قبل از ازدواج ممکن است حرفها و وعده و وعیدهایی را بشنوند که در زندگی زناشویی ضمانتی برای تحقق آنها وجود ندارد. شاهد این امر شاید زوجهایی باشند که به رغم توافق‌های به ظاهر محکم و استوار، پس از شروع زندگی مشترک مقید به اصول و معیارهای خانوادگی نبوده‌اند. نگرانی در این باره نیز برای دختران جدی است، شاید به این دلیل که اگر مردان با این مشکل در زندگی خانوادگی مواجه شوند با تکیه بر اهرمهای اقتدار و عملی که به واسطه باورها و ارزشهای فرهنگی دارند، می‌توانند همسر خود را به تبعیت از آنچه خود مایل هستند وادار سازند. لیکن اگر زنان مشاهده کنند که "شوهرها" پس از ازدواج خیلی از آن چیزهایی را که گفته بودند عمل نخواهند کرد، هم احساس فریب و شکست می‌کنند و هم چاره‌ای جز ماندن و ساختن ندارند. اضطراب درباره یک چیز در آن هنگام که فرد قدرت و اختیار عمل ندارد بیش از موقعی است که می‌تواند برای رهایی از عامل فشار چاره و تدبیر به کار برد.

۵ - عدم آگاهی از مسائل بعد از ازدواج :

دختران می‌توسند پس از آنکه پای به زندگی خانوادگی گذاشتند ندانند چه باید بکنند. آنها نمی‌دانند آیا این طور که تربیت شده‌اند می‌توانند در زندگی زناشویی "همسر" موفقی باشند و آیا از عهده مسؤلیتهایی که از آنان انتظار می‌رود برخواهند آمد یا خیر. این نگرانی ریشه در فقدان آگاهی‌هایی دارد که برای زندگی زناشویی لازم است. هرچند پسران و دختران جوان برای اغلب مسائل بعد از ازدواج پاسخهایی حتی حاضر و آماده و به ظاهر قاطع و محکم دارند، ولی واقعیت آن است که نمی‌توان به

مناسب و یا آگاهی‌های کافی درباره نقش‌ها و مسؤولیتها، که قبلاً از آن سخن گفتیم، این تنش‌ها حل شده، از بین می‌روند، ولی گاه نیز باقی می‌مانند و مشکل‌زای می‌شوند. در این میان تصور هریک از دو همسر نسبت به صداقت دیگری در رفتارها و برخوردها یک عامل اطمینان بخش در خانواده است. خصوصیت مذکور نیز از جمله عواملی است که وجودش برای دختران مایه اطمینان خاطر بیشتر و فقدان آن عامل اضطراب بیش از حدی است که برای پسران جوان قابل تصور است.

۳ - بی توجهی خانواده‌ها به خواست فرزندان :

تحول و پیچیدگی نظام اجتماعی باعث افزایش تفاوت بین معیارهای نسل‌ها درباره مسائل مختلف زندگی فردی و اجتماعی می‌شود. از جمله این مسائل تفاوت ملاکهای فرزندان و والدین درباره ازدواج است. میزان اختیار و آزادی عمل فرزندان در زمینه ازدواج با میزان تحول و پیچیدگی نظام اجتماعی رابطه مستقیم دارد. بنابراین یک نکته قابل توجه برای جوانان در شرایط امروزه جامعه اختلافی است که درباره معیارها و ملاکهای ازدواج دارند. در اینجا سخن بر سر حقانیت یا صحت نظرگاههای والدین یا فرزندان جوان آنان نیست، بلکه نفس وجود اختلاف دیدگاه می‌تواند باعث ایجاد نگرانی و اضطراب در فرزندان شود، چون آنان می‌اندیشند در هر حال این اختلاف نظر می‌تواند برای ازدواج موفق آنان سد و مانعی به حساب آید که والدین نیز غالباً حاضر نیستند به راحتی آن را از سر راه بردارند. مثلاً توجه والدین به جنبه‌هایی از قبیل اعتبار اجتماعی، توانایی مالی، اطمینان شغلی، و جاهت و زیبایی یا اصالت خانوادگی برای داماد یا عروس آینده در مقابل همدلی عاطفی، علاقه فردی و قول و قرارهای فردی که برای فرزندان وجود دارد، زمینه‌ساز بعضی نگرانی‌هاست که فرزندان را درباره ازدواج دچار دلهره و اضطراب می‌سازد. این عامل نیز در دختران بیشتر احساس می‌شود، چون اگر خانواده‌ها به امیال و خواسته‌های

و متناسب با مسائل و شرایط موجود در زمینه ازدواج پسران و دختران جوان.

تدابیر درازمدت، بویژه برای دختران بایستی قبل از هر چیز از خانواده آغاز شود. خصوصیات شخصیتی که زمینه‌ساز تعادل و رشد عاطفی، اجتماعی و اخلاقی است، بایستی در جریان رشد و شکل‌گیری شخصیت و از همان ابتدای کودکی تحقق پذیرد. والدین در انجام مسؤولیتها و برنامه‌های تربیتی فرزندان خود باید پاسخ این سؤال را داشته باشند که "فرزند من به عنوان یک زن یا شوهر در زندگی خانوادگی آینده خود" چه نقش‌هایی را خواهد داشت و برای انجام این نقش‌ها چه خصوصیتی را باید داشته باشد؟ واقعیت این است که دختران و پسران هم بخش عمده آگاهیها و نگرش‌های مربوط به زندگی مشترک و خانواده را از محیط خانواده و رفتارها و روشهای تربیتی والدین به دست می‌آورند و هم چنین انتظاری را دارند. لذا به رغم اینکه در زندگی امروز منابع اطلاع‌رسانی و شکل‌دهی نگرش‌ها و افکار و اندیشه‌های افراد بجز خانواده (مثل رسانه‌های ارتباط جمعی - نظام رسمی آموزش و پرورش، کتب و نشریات)، اثری فزاینده بر کودکان و نوجوانان دارند، لیکن سهم خانواده بویژه در زمینه نگرشهای اولیه و بنیادی چون "خانواده" و "روابط زناشویی" تا حدود زیادی به قوت خود باقی است. واقعیت مذکور ایجاب می‌کند که پدران و مادران نسبت به این جنبه از نقش تربیتی خود آگاه گردند و آن را در رفتارهای روزمره خود مدنظر قرار دهند.

مع الوصف خانواده و والدین را باید از طرق دیگر کمک کرد. علاوه بر خصوصیات شخصیتی مناسب برای پذیرش نقش پدریا مادر در زندگی آینده، کسب آگاهیهای لازم در این زمینه نیز نقش مؤثری در افزایش کفایت فرد در پذیرش مسؤولیت همسری و کاهش بعضی اضطرابها و نگرانی‌های بازدارنده دارد و به میزان قدرت و توان او در مواجهه مثبت و سازنده با مشکلات خواهد افزود. آگاهیهای مذکور می‌تواند در قالب برنامه‌های

اثربخشی این دیدگاهها امیدوار بود. بهترین شاهد آن افزایش روزافزون طلاق و جدایی و کوتاه شدن عمر خانواده در جوامعی است که از دستاوردهای علم و تمدن بهره‌های فراوانی برده‌اند. در فرهنگ ما با توجه به انتظار فراوانی که از زن در اداره و حفظ کانون خانواده وجود دارد و اینکه او باید در سخت‌ترین شرایط در اندیشه حفظ این کانون باشد، دختران در آستانه ازدواج از آن بیم دارند که در برخورد با مسائل فراوان و پیچیده زندگی خانوادگی ندانند که چه باید بکنند.

پیامدها و راههای مقابله

نگرانی‌های مذکور و انواع دیگر اضطرابها از قبیل اینکه زندگی آینده ممکن است در اثر حوادث و مشکلات هرچند بی‌اهمیت به اختلاف کشیده شود یا ترس از برخوردهای ناخوشایند بستگان همسر، یا عدم ایمان و اعتقاد شوهر (یا زن) آینده و موارد مشابه دیگر، قبل از هر چیز ممکن است بر نگرش و میزان تمایل به ازدواج تأثیر منفی بگذارد. اکنون کم نیستند پسران و دخترانی که صرف نظر از مشکلات اقتصادی و مالی، ترجیح می‌دهند تا آنجا که ممکن است تن به ازدواج ندهند. این خودداری و پرهیز به خاطر آن است که تصویری امیدبخش و شادی‌آفرین از زندگی پس از ازدواج ندارند، و لذا ملاحظه می‌شود که به موازات شدت یافتن اضطرابهای ناشی از ازدواج، از میزان تمایل دختران^۸ (و یا پسران^۹) به تشکیل خانواده کاسته می‌شود. بدیهی است با توجه به نیازهای جسمی و روانی که انگیزه و نیروی محرکه ازدواج محسوب می‌شود، معطل‌گذاشتن آنها نمی‌تواند با یک زندگی آرام و متعادل برای فرد توأم باشد و عواقب نامطلوب و ناخوشایند در زمینه‌های فردی، شخصیتی و اجتماعی به وجود خواهد آورد.

برای پیشگیری از چنین وضعی تدابیر مختلفی لازم است. این تدابیر بعضاً باید به صورت دراز مدت باشد و بعضاً در قالب برنامه‌های کوتاه مدت



خانواده صورت گرفته نیز اولاً فقط قدمهایی در آغاز راه است و ثانیاً هنوز به شکل یک برنامه هماهنگ و فراگیر در نیامده و اقداماتی متفرق و مجزا و بعضاً مقطعی است.

۵ - تحقیق مذکور توسط خانم‌ها منیرالسادات مقتدوی، ناهید رازقی و ناهید کاکاوند و زیر نظر نگارنده در زمینه مقایسه آگاهیهای دانش‌آموزان سال آخر دبیرستانی و دانشجویان مراکز تربیت معلم شهرستان قزوین در سال ۱۳۷۳ انجام گرفته.

۶ - تحقیق توسط محمد باقر صفوی - زیر نظر نگارنده، دانشگاه تربیت معلم، ۱۳۷۱

۷ - این عوامل حاصل تحقیقی است که در دفتر مرکزی انجمن اولیاء و مربیان با عنوان "عوامل اضطراب‌زای ازدواج و رابطه آن با میزان تمایل به ازدواج در دختران سال چهارم دبیرستانهای مناطق ۵، ۷، ۱۱ و ۱۲ تهران و زیر نظر نگارنده انجام گرفته است.

۸ - ر. ک - مأخذ شماره ۱ - صفحه ۱۷۹

۹ - تحقیق "عوامل اضطراب‌زای ازدواج و ..."

کوتاه مدت آموزشی برای دختران و پسران جوان که در آستانه ازدواج هستند عملی شود و در قالب برنامه‌های مدون و بنیادی به نظام رسمی آموزش جوانان و نوجوانان وارد گردد.

منابع :

۱ - جامعه‌شناسی تاریخی خانواده، مارتین سگالن، ترجمه حمید الیاسی، نشر مرکز، ۱۳۷۰، صفحات ۷۵ - ۷۰

۲ - همان مأخذ، صفحات ۲۸۸ - ۲۳۰

3 - SECONDARY EDUCATION IN THE UNITED STATES HARL R. DOUGLASS 2TH EDITION RONALD PRESS COMPANY - NEWYORK - 1966, CHAPTER 7.

۴ - اقداماتی که از یکی دو سال قبل توسط انجمن اولیاء و مربیان و بعضی نهادهای فرهنگی - اجتماعی چون صدا و سیما و سازمان بهزیستی برای آموزشهای قبل از ازدواج و یا آموزشهای